

۵- من قول‌ام را به شما دادم. (ص ۱۵)

I've already given you my word.

ترجمه پیشنهادی: من به شما قول دادم.

۶- از شخصی که تنها زندگی می‌کند بیش تر می‌توانیم انتظار رعایت چنین شرطی را داشته باشیم تا از شخصی که در وسط خانواده خود زندگی می‌کند. (ص ۱۴)

We may expect that more from a man who is alone that from one who lives in the bosom of his family.

ترجمه پیشنهادی: ... تا از شخصی که کنار خانواده یا میان خانواده خود ...

۷- به قضاوت ما بهترین کار این است که شما آخر شب بیایید. (ص ۱۷)

We have judged it best that you should come late.

ترجمه پیشنهادی: به عقیده ما ...

۸- با یک نگاه آخر طولانی، پرسان به من خیره شد. (ص ۱۹)

He looked at me with a last, long questioning gaze.

ترجمه پیشنهادی: با نگاهی طولانی و پرسشگرانه برای آخرین بار به من خیره شد.

موارد فوق که برخی از آنها جنبه ذوقی دارد از زیبایی و روانی ترجمه نمی‌کاهد و خواننده به راستی می‌تواند کتاب را به دست بگیرد و خود را به داستان بسپارد تا داستان او را تا انتها با خود بکشاند.

علی خزاعی فر

\* \* \*

● آزمون انگلیسی به عنوان زبان دوم (ارزشیابی)

● دیوید پاین هریس، ترجمه علی بهرامی

● انتشارات رهنما، ۱۳۷۳، ۳۷۰ تومان

کتاب *Testing English as a Second Language* در ۱۲ فصل، به زبان ساده و با ارائه مثالهای فراوان، اصول آزمون سازی را بیان می‌کند. با اینکه ۲۷ سال از تاریخ انتشار این کتاب می‌گذرد و در نتیجه برخی از مباحث آن با یافته های جدید همخوانی ندارد، هنوز مأخذ ارزشمندی در زمینه آزمون سازی زبان به شمار می‌رود. به همین دلیل این کتاب را در گذشته تعدادی از بنگاههای انتشاراتی و چاپخانه ها به طریقه افست تکثیر کرده اند و به عنوان یکی از منابع اصلی دروس "ارزشیابی" در دوره کارشناسی دبیری زبان انگلیسی و "آزمون سازی زبان" در دوره‌های کارشناسی ادبیات انگلیسی و مترجمی زبان انگلیسی مورد استفاده دانشجویان قرار گرفته است.

گرچه این ترجمه، دومین کتابی است که درخصوص آزمون سازی زبان به فارسی برگردانده شده، اما در حال حاضر چندین کتاب به زبان فارسی در زمینه ارزشیابی، اندازه گیری، و حتی آزمون سازی در دیگر حوزه های تخصصی انتشار یافته و در دسترس دانش آموختگان و پژوهشگران قرار گرفته است. برخی از این کتب، ترجمه و برخی دیگر تألیف می‌باشند. بنابراین، برای اغلب واژه‌ها و اصطلاحات این رشته معادلهای فارسی گویا و مناسبی

پیشنهاد شده که در اکثر موارد دست کم نزد اهل فن پذیرش عام یافته و مورد استفاده همگان قرار گرفته است. در ترجمه حاضر، به جای آنکه مترجم از همین معادلهای مرسوم استفاده کند، به سلیقه شخصی معادلهای دیگری به کار برده که اغلب هم نادرست و هم نامفهوم هستند، حال آنکه در کلیه موارد معادلهای رایجی در فارسی وجود دارد. ضمناً، برخی از واژه‌های انگلیسی نیز عیناً آوانگاری شده‌اند. افزون بر اینها، نقص عمده این برگردان نوعی ناهماهنگی است که در کاربرد معادلهها به چشم می‌خورد. به منظور روشن تر شدن نکات فوق به ذکر چند مثال در هر مورد خواهیم پرداخت.

### ۱. معادلهای غیر مرسوم

برخی از معادلهایی که مترجم به کار برده واژه های فارسی هستند که اگر چه می‌توان آنها را معادل لغات انگلیسی مورد نظر قلمداد کرد، اما این معادلهها به سلیقه شخصی مترجم ساخته شده و نه تنها دقیق تر و گویاتر از معادلهای متداول نیست بلکه هضم آنها برای کسانی که با معادلهای مصطلح خو گرفته‌اند، نسبتاً دشوار است. نمونه های زیر شاهدهی است براین مدعا:

معادل مرسوم فارسی	واژه انگلیسی	واژه پیشنهادی مترجم (صفحه)
معیارهای بومی	local norms	معیارهای موضعی (۲۰۸)
نمره معیار	standard scores	نمره استاندارد (۲۰۹)
منحنی بهنجار احتمالات	normal probability curve	منحنی عادی احتمالات (۲۰۹)
پایایی نمره گذاران	scorer reliability	پایایی تصحیح (۳۵)
نمره گذاری	scoring	نمره دهی (۲۱)
استخراج، استنتاج، فراخواندن	elicit	بیرون کشیدن (۱۴۲)
ماده	item	واحد (۲۰)
فرمهای همتا	parallel forms	دوشکل هم ارز (۳۲)
تنه	stem	ستاک، جمله هادی (۲۱)
میانگین	mean	معدل (۲۲۶)

### ۲. معادلهای آوانگاری شده

برخی از واژه های انگلیسی را مترجم آوانگاری کرده، حال آنکه برای همگی آنها معادلهای قابل قبولی در زبان فارسی رایج شده است. نمونه هایی از این نوع عبارتند از:

معادل مرسوم فارسی	واژه انگلیسی	واژه پیشنهادی مترجم (صفحه)
آموزشی	academic	آکادمیکی (۱۳)
روش	method	متد (۱۸)
فن، شیوه	technique	تکنیک (۱۴)
(گروه های) معیار	control(classes)	(کلاسهای) کنترل (۱۴)

آزمون	test	تست (۳۴)
دستور زبان	grammar	گرامر (۲۰۷)
دانشکده	college	کالج (۲۲۳)
گفتگو، گفت و شنود	dialog	دیالوگ (۸۱)

### ۳. معادلهای نادرست

برای تعداد کثیری از اصطلاحات تخصصی و حتی لغات عمومی زبان انگلیسی معادلهایی به کار رفته که "نادرست" است.

ترجمه عنوان کتاب به ارزشیابی، نمونه بارز آن است.

در حقیقت ترجمه صحیح آن آزمون زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم می باشد. متأسفانه، تعداد معادلهای نادرست در قیاس با موارد مذکور در بند ۱ و ۲ بسیار بیشتر است. از این رو نمونه های بیشتری در این خصوص ارائه می شود:

واژه پیشنهادی مترجم (صفحه)	واژه انگلیسی	معادل درست فارسی
تحلیل (۱۵)	interpretation	تفسیر
آموزشی (۱۳)	training	کارورزی
ارزشیابی (۳۷)	measurement	سنجش، اندازه گیری
مهارت (۱۵)	proficiency	بسندگی
آزمون سرعتی (۳۶)	speed test	آزمون سرعت
آزمون قدرتی (۳۶)	power test	آزمون توانایی
ارزشیابی (۴۴)	testing	آزمون
تست (۳۶)	item	ماده
رتبه درصدی (۲۰۷)	percentile score	نمره صدک
فراوانی تراکم (۲۲۳)	cumulative frequency	فراوانی تراکمی
اقتصاد (۴۳)	economy	اقتصادی بودن
آزمون تشخیصی (۱۳)	readiness test	آزمون آمادگی
مشاور مدرسه و دانشگاه (۲۲۰)	a school counselor	مشاور مدرسه
تأثیر تعلیم (۲۱۴)	coaching effect	تأثیر آماده سازی
میزان تبحر (۱۳)	degree of proficiency	میزان بسندگی
نمونه بندی نمرات (۲۰۶)	sampling	نمونه گیری
خط (۲۲۵)	tally	چوب خط
تجزیه و تحلیل (۲۷)	contrastive analysis	تحلیل مقابله ای
خام و ناپخته (۲۰۴)	crude and deceptive	خام و گمراه کننده

### ۴. یکنواخت نبودن کاربرد معادلهای

نارسایی عمده در این ترجمه یکنواخت نبودن کاربرد معادلهاست. فهرست واژه هایی که به طور یکنواخت به

کار گرفته نشده زیاد است، اما در اینجا تنها به ذکر دو مورد اکتفا می‌شود:

الف: در صفحه ۲۱۳، برای واژه انگلیسی analysis از معادل "تحلیل" استفاده شده در حالی که در صفحه ۱۹۸ همین کلمه "تحلیل" در برابر واژه interpret قرار گرفته است. در صفحات ۵۱ و ۲۲۰، برای interpret از "تفسیر" و "تحلیل" استفاده شده در حالی که در همان صفحه (صفحه ۲۲۰) برای interpret از کلمه "تعبیر" هم استفاده شده. در صفحه ۱۵، از کلمه "تفسیر" برای interpret استفاده شده است.

ب: در متن انگلیسی، نویسنده از کلمه instructor در مقابل student استفاده کرده است. اما مترجم کلمه student را به "دانشجو" برگردانده، ولی در مقابل instructor از واژه "معلم" استفاده کرده که یک ناهماهنگی است. (شک نیست که عدم یکنواختی مورد بحث در این خصوص هم به چشم می‌خورد. در صفحه ۲۰ به عنوان مثال، در مقابل student واژه های "دانشجو" و "شاگرد" بارها به کار رفته است.)

### ۵. اشکالات ترجمه و عدم رعایت اصل امانت داری

علاوه بر نارساییهای مربوط به انتخاب معادلهای فارسی، اشکالات عدیده‌ای در ترجمه متون و انتقال پیام نویسنده مشاهده می‌شود. دامنه این اشکالات بسیار وسیع است. ظاهراً، مترجم نه تنها با مفاهیم آمار مقدماتی و زبان شناسی بیگانه است، بلکه حتی برای درک معنای برخی از جملات ساده زبان انگلیسی نیز با مشکلات جدی مواجه است. برای اثبات این ادعا به ذکر یک مورد\* بسنده می‌کنیم:

To classify or place individuals in appropriate language classes.

Other screening tests try to distinguish degrees of proficiency so that examinees may be assigned to specific sections of activities on the basis of their current level of competence. Such tests may make no pass – fail distinctions, since some kind of training is offered to everyone.

جهت طبقه بندی یا جای دادن افراد در کلاسهای مناسب زبان. بعضی دیگر از آزمونهای تشخیصی سعی بر متمایز کردن میزان تبحر فرد دارند بدین معنی که بتوان امتحان شوندگان را به بخشها و یا فعالیت‌های ویژه‌ای بر اساس سطح کنونی توانش آنها، تقسیم بندی کرد. این چنین آزمونهایی هیچ تمایزی براساس قبولی یا ردی ندارند، چراکه افراد، هر کدام آموزشهایی دیده‌اند. (ص ۱۳)

اگر چه می‌توان "طبقه بندی" و "جای دادن" را خارج از متن معادلهای درستی برای دو واژه انگلیسی classify و place به حساب آورد، اما در این متن خاص، بیانگر مقصود اصلی نویسنده نمی‌باشند. او می‌نویسد "به منظور گروه بندی یا تقسیم افراد در کلاسهای زبان متناسب با توانایی آنها..." ثانیاً، غیر از غلط فاحش "تشخیصی" برای واژه screening که به معنی گزینشی است، عبارت "تمایز کردن تبحر فرد" نادرست است. صحیح آن است که ترجمه شود "سایر آزمونها سعی در تعیین میزان بسندگی آزمودنیها به منظور تقسیم آنان به گروههای خاص .... دارد." و ثالثاً، بخش اول جمله آخر کاملاً مبهم و بخش دوم آن بکلی غلط است زیرا مقصود این است که پس از مشخص شدن نتیجه آزمون، به هریک از آزمودنیهانوعی آموزش داده خواهد شد نه اینکه آنها "آموزشهایی دیده‌اند." در برگردان نه تنها زمان آینده به گذشته تبدیل شده، بلکه حالت فعل نیز از مجهول به معلوم تغییر پیدا کرده است.

\* منتقد در این بخش مواردی متعدد نقل می‌کند که به دلیل کمبود جا از ذکر آنها خودداری می‌شود.

### ۶. نارساییهای نثر فارسی

برخی واژه‌ها از ابداعات شخص مترجم هستند که احتمالاً به منظور باروری بیشتر زبان فارسی ابداع شده‌اند، اما از آنجا که ایشان تسلط کافی به زبان فارسی نداشته‌اند، نتیجه معکوس به بار آورده است. مثلاً، واژه "متداولاً" و "همچنانچه" که راقم مفهوم آنها را درک نمی‌کند. در موارد عدیده‌ای هم، نثر مترجم بسیار مغلق و یا بکلی نامفهوم است و به خواننده این امکان را نمی‌دهد که پیام نویسنده را دنبال کند. در زیر به دو نمونه اشاره می‌شود.

نمونه ۱: صفحه ۲۶

(P. 16: Neither the "split – half" nor the "rational equivalence" technique of estimating reliability should be used with speed tests.)

هم تکنیک "دو نیمه" و هم تکنیک "تشابه عقلی" برای محاسبه پایایی را نباید در مورد آزمونهای سرعتی به کار برد.

صرفنظر از ساختار غریب این جمله عبارت "هم...هم" در جملات مثبت به کار می‌رود. شایسته می‌بود مترجم می‌نوشت: نباید از روش دو نیمه و یا تشابه عقلانی ... و یا: نه روش دو نیمه و نه روش تشابه عقلانی هیچ یک نباید....

نمونه ۲: صفحه ۱۶

(PP.4-5: Indeed, the habit of translating is now felt to impede the proper learning of a foreign language).

در حقیقت اکنون چنین گفته می‌شود که عادت به ترجمه کردن، یادگیری مطلوب یک زبان خارجی را باز می‌دارد....

صرفنظر از این که مترجم برای is felt در این جمله معادل مناسبی نیافته و از "گفته می‌شود" استفاده کرده، در معادل یابی برای فعل impede نیز به مخمصه گرفتار شده است. در لغتنامه‌ها برای این فعل معادلهایی چون "مانع شدن"، "جلوگیری کردن"، "بازداشتن" را پیدا کرده اما بدون توجه به این نکته که افعال مذکور در زبان فارسی به حرف اضافه "از" نیاز دارند، همان ساختار جمله انگلیسی را که در آن "یادگیری زبان خارجی" به صورت مفعول صریح به کار رفته، در ترجمه فارسی نیز مورد استفاده قرار داده است.\* در این جا وفاداری به متن اصلی، مترجم را به بیراهه کشانده است. ترجمه درست این جمله چنین است: "در واقع، امروزه چنین استنباط می‌شود که عادت به ترجمه کردن مانع از یادگیری صحیح یک زبان خارجی می‌شود".

### ۷. خلاصه

چنین به نظر می‌رسد که مترجم تازه کار درک صحیحی از زبان انگلیسی نداشته و توانایی او در نگارش فارسی هم جای تردید دارد. نتیجه آن که درک این ترجمه دشوار و برخی از جملات و بندهای آن نه تنها نامفهوم بلکه حتی گمراه کننده است.

توصیه می‌شود که تازه کاران در چاپ کارهایشان عجله نکنند. بکوشند ابتدا کمی تجربه در زمینه مورد ترجمه و سپس در فن (و در حقیقت هنر) ترجمه کسب کنند تا بتوانند در قبال نویسنده متن اصلی ادای وظیفه کنند زیرا

\* این ایراد منتقد وارد نیست. چیزی را (یا کسی را) بازداشتن، به معنای مانع شدن یا ممانعت کردن یا جلوگیری کردن است. ع.ک.

"ترجمه در حقیقت فعالیتی بسیار تخصصی و فوق العاده پیچیده است" (ترجمه فارسی، صفحه ۱۶). کمتر اتفاق می‌افتد متخصصی ترجمه کتابهای رشته تخصصی خویش را بخواند. اگر هم بنا به نیاز دست به این کار بزند قادر است لغزشهای احتمالی ترجمه را تشخیص دهد. اما معمولاً، طالبان کتابهای ترجمه شده درسی دانشجویان و تازه کاران هستند و برای چنین خوانندگانی ترجمه غلط یا ضعیف بدآموزی به همراه دارد.

عبدالجواد جعفرپور  
(دانشگاه شیراز)

#### یادداشتها

۱. اولین ترجمه عبارت است از: دیهیم، گیتی (مترجم). ۱۳۷۲. آزمون در آموزش زبان، مرکز نشر دانشگاهی. ترجمه:
- Valette, R. M. (1967). *Modern Language Testing*, Harcourt, Brace & World, Inc.
۲. خوی نژاد، غلامرضا (مترجم). ۱۳۷۲. اندازه گیری و آزمون در تعلیم و تربیت. مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی. ترجمه:
- Wiersma, W. and Jurs, S. G. (1990). *Educational Measurement and Testing*, Tolido University Publications.
- براهنی، محمدتقی (مترجم). ۱۳۶۱. روان آزمایی انتشارات دانشگاه تهران. ترجمه:
- Anastasi, A. 1976, *Psychological Testing*, fourth edition. Collier Macmillan.
- کظیمی، ابراهیم (مترجم). ۲۵۳۵. راهنمای ارزشیابی تکوینی و ارزشیابی مجموعی. انتشارات دانشگاه تربیت معلم. ترجمه:
- Bloom, B., Hastings, J., and Madaus, G. *Formative & Summative Evaluation of Student Learning* .
- هومن، حیدرعلی (مترجم). ۱۳۶۶. روان سنجی کاربردی. انتشارات دانشگاه تهران. ترجمه:
- Thorndike, R. 1982. *Applied Psycholinguistics*. Houghton Mifflin Co.
۳. سیف، علی اکبر. ۱۳۶۷. اندازه گیری و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی. چاپ سوم. مؤسسه انتشارات آگاه.
- هومن، حیدرعلی. ۱۳۶۶. اندازه گیریهای روانی و تربیتی و فن تهیه تست. نشر سلسله. گنجی، حمزه. ۱۳۷۳. اندازه گیری و ارزشیابی در آموزش و پرورش. ترجمه و تألیف. مؤسسه انتشارات بعثت.